



آبرنگ روی کاغذ، بارقم رضا
عباسی، ۱۰۴۳ هـ.ق.، ۱۹/۴۰×۱۴/۵۰
سانتیمتر، موسسه هنری
دیترویت. مأخذ: کنبی، ۱۳۸۹، ۱۵۷.



شناسایی نمونه پیکره‌های انگلیسی در نگارگری مکتب اصفهان*

شهناز امینی** اصغر جوانی*** مجیدرضا مقنی‌پور****

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۲/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۹/۱۲

صفحه ۱۱۵ تا ۱۲۷



چکیده

تأثیرپذیری نگارگری مکتب اصفهان از وقایع و تحولات سیاسی، نظامی و تجاری دوره صفویه باعث پدیدار شدن نمونه پیکره‌های غیرایرانی در نگارگری مکتب اصفهان شد. این پژوهش به هدف شناسایی نمونه پیکره‌های انگلیسی و عوامل تأثیرگذار بر نگارگری مکتب اصفهان بر اساس مؤلفه‌های چهره و پوشاک انجام گرفته است. بر این اساس سؤال‌های اصلی تحقیق به این گونه است که: ۱. چگونه پوشش‌های انگلیسی وارد نگارگری مکتب اصفهان شده است؟ ۲. مشخصه‌های چهره انگلیسی در نگارگری مکتب اصفهان کدامند؟

روش تحقیق مقاله توصیفی-تحلیلی و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی (شرح و تفسیر) است. همچنین فنون جمع‌آوری اطلاعات به صورت متن‌خوانی آمده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در آثار مورد بررسی (از جمله اروپایی با سگ از رضا عباسی، دیدار خسرو و شیرین از محمد قاسم و...) پوشاکي مانند لباس، چکمه و کلاه تأثیرات بیشتری از پوشش‌های دوره الیزابت اول تا جیمز دوم انگلیس پذیرفته است. این در حالی است که چهره‌پردازی‌ها بیشتر به نمونه چهره‌های ایرانی وفادار بوده است

واژگان کلیدی

پیکره ایرانی، پیکره انگلیسی، نگارگری، مکتب اصفهان.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهناز امینی با عنوان: «مطالعه تحلیلی تیپ‌شناسی اقوام غیرایرانی در مکتب تبریز دوم و اصفهان دوره صفوی» با راهنمایی نویسنده دوم در دانشکده هنر دانشگاه غیر دولتی علم و هنر یزد می‌باشد.

** کارشناسی ارشد صنایع دستی گرایش پژوهش در هنرهای سنتی، شهر یزد، استان یزد Email: Shahnaz_artist@yahoo.com

*** دانشیار دانشکده هنرهای تجسمی دانشگاه هنر اصفهان اصفهان. دانشگاه هنر اصفهان. (نویسنده مسئول)

Email: a_javaniart@yahoo.com

**** استادیار دانشگاه هنر شیراز شیراز. دانشگاه هنر شیراز، شهر شیراز: استان شیراز. Email: mmoghaniipoor@yahoo.com

مقدمه

این مقاله بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است؛ و با در نظر گرفتن تاریخ اجتماعی مکتوب به بررسی دوره اجتماعی و سیاسی صفویه پرداخته شده است. تصاویر نگارگری از میان نگاره‌های مکتب اصفهان انتخاب شده، که با تهیه کارت مشاهده، تصاویر بر اساس معیارهای کیفی مانند: تیپ، گونه و ریخت‌شناسی (قیافه، صورت، سر و لباس) دسته‌بندی می‌شوند.

تصاویر نگارگری از میان آثار نگارگری مکتب اصفهان انتخاب شده، تعداد نگاره‌های منتخب شش عدد است.

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق را می‌توان بر اساس موضوع به چند دسته تقسیم کرد:

الف. منابع در خصوص روابط سیاسی، تجاری و اجتماعی عصر صفوی که عبارت‌اند: کتب «تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران» از ابوالقاسم طاهری و «سیاست و اقتصاد عصر صفوی» از محمدابراهیم باستانی پاریزیو «دایرة المعارف بزرگ اسلامی» از کاظم موسوی بجنوردی اشارات قابل ملاحظه تاریخی صورت رفته است.

ب. منابع در راجع به تاریخ هنر، به ویژه نقاشی ایرانی که عبارت‌اند: کتب «دایرة المعارف هنر» از رویین پاکباز و «بنیان‌های مکتب نقاشی اصفهان» از دکتر اصغر جوانی و مقاله «نقاشی ایران از دوره صفویه تا اواخر قاجار» از مجید ساریخانی مطالب مفیدی اقتباس شده است.

ج. منابع در خصوص پوشاک اقوام مختلف که عبارت‌اند: کتب «تاریخ پوشاک اقوام ایرانی» از مهرآسا غیبی و «تاریخ لباس ایران» از شبنم رنج دوست و «تاریخ لباس» از ویل کاکس و مقاله «بررسی فرم و طرح جامه‌های دوره صفوی از طریق مکاتب نگارگری» از بدری حکیمیان و سفرنامه «پیتر دلاواله» محقق به دستاورهای تصویری و نوشتاری خوبی در زمینه لباس رسیده است.

محقق پژوهشی در مورد بررسی نمونه پیکره‌های اقوام غیر ایرانی در نگارگری نیافته است.

روابط سیاسی و تجاری ایران و انگلیس از عصر شاه عباس اول تا آخر دوره صفوی (۱۱۳۵-۱۰۹۶ ه.ق)
شاه عباس در سال ۱۰۰۶ ه.ق پایتخت ایران را از قزوین به اصفهان منتقل می‌کند. (جوانی، ۱۳۸۵: ۸۰) یکی از سیاست‌های شاه عباس آزاد بودن با خارجی‌ان و غیرمسلمانان بود. (canby, ۲۰۰۹, ۵۶) اصفهان در زمان شاه عباس از سه جهت شاهد حضور مسیحیان

در دوره شاه عباس صفوی بر اساس سیاست‌های درهای باز، ارتباط با کشورهای همسایه و غیرهمسایه افزایش پیدا می‌کند و از این جهت پیکره‌ها و شخصیت‌های مختلف که در قالب برده، خدمه، سفیر، بازرگان و سیاح، پزشک و هنرمند که بیشترین ارتباط را داشتند، در نگارگری‌های این دوره خودنمایی می‌کنند. نگارگران موظف بودند این روابط را به صورت مستقیم و غیرمستقیم در نقاشی‌های خود ثبت کرده، و از طریق این آثار موقعیت اجتماعی جامعه را نشان دهند؛ لیکن اقوام غیر ایرانی در نقاشی‌های عصر شاه عباس اول نسبت به ادوار قبلی نقش پررنگ‌تری پیدا می‌کنند. در این دوره سبک نقاشی از روش مرسوم خارج شده و تا حدودی تغییر می‌کند. این پژوهش در نظر دارد که این نمونه پیکره‌ها را در نگارگری مکتب اصفهان شناسایی کرده و با بررسی نفوذ کشورهای اروپایی در این دوره تاریخی پیکره‌ها و شخصیت‌های انگلیسی را تحلیل نماید. اهمیت این تحقیق مشخص کردن و شناساندن نمونه پیکره‌های انگلیسی در نگارگری مکتب اصفهان است. نقاشی به عنوان رسانه‌ای تصویری، ثبت حوادث و روابط را به عهده داشته است. از این رو بررسی این نگاره‌ها مبین گستردگی ارتباطات در زمینه مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دوره صفویه است.

در زمینه نگارگری دوره صفویه بحث‌ها و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است، و در مواردی تأثیرات نقاشی غیرایرانی، به خصوص اروپاییان، بررسی شده؛ اما در خصوص نمونه پیکره‌های غیر ایرانی در نگارگری مکتب اصفهان توجه ویژه‌ای نشده است. با وجود اینکه در کتب تاریخی دوران صفوی به اقوام غیرایرانی اشاره شده، شناسایی و تحلیل پیکره‌های انسانی در تصاویر نگارگری این دوره امری ضروری است. سؤالاتی که در این زمینه ذهن پژوهشگر را به خود معطوف نموده عبارت است از: مشخصه‌های چهره انگلیسی در نگارگری مکتب اصفهان کدام‌اند؟ و چگونه پوشش‌های انگلیسی وارد نگارگری مکتب اصفهان شده است؟

در این مقاله ابتدا به بررسی روابط سیاسی، نظامی و تجاری از دوره شاه عباس اول تا آخر عصر صفویه می‌پردازد؛ پس از آن به صورت جداگانه نمونه پیکره‌های ایرانی و انگلیسی را از لحاظ چهره و پوشاک در نقاشی‌های مکاتب خود بررسی می‌کند. در آخر شش نگاره در نگارگری مکتب اصفهان که از شخصیت‌ها و نقاشی‌های انگلیسی تأثیر گرفته است را مورد تحلیل قرار می‌دهد.



تصویر ۱. از سمت راست به چپ: کلاه بورک. مندیل یا دولبند مخصوص ساقی و قوال. سه نوع کلاه صوفیان. مأخذ: نقوی، مراثی، ۱۳۹۱، ۱۴.



تصویر ۲. پوشاک مردان دوره صفویه. از سفرنامه شاردن. مأخذ: دلواله، ۱۳۷۰.



تصویر ۳. پوشاک زنان دوره صفویه. از سفرنامه شارن، مأخذ: همان، ۱۴۴.

جمله توماس پاول و جان وارد برای نوسازی ارتش صفوی (canby, ۲۰۰۹، ۵۸) شروع به تعلیم و تربیت سپاه ایران کردند و الله وردیخان فرمانده سپاه ایران به سرعت از این موقعیت استفاده کرد و به ریختن توپهای نیرومند و تعلیم آن فن به ایرانیان برآمد. (نوایی، ۱۳۸۶، ۱۹۸) و سپس شاه عباس به امید این آموزش‌ها و به اتکا قشون خود جنگ بر علیه عثمانی را آغاز کرد و توانست عثمانی‌ها را از ایران خارج کرده و آذربایجان و گرجستان و کردستان و موصل و دیار بکر را از تصرف آنها خارج کند. (تاج‌بخش، ۱۳۴۰، ۹۵) شاه عباس رابرت شرلی را به هدف ترویج یک اتحاد مشترک ضد عثمانی به اروپا فرستاد. (canby, 2009, 58) اعتبارنامه‌ای که از طرف شاه عباس به آنتونی داده شده شاید تا به حال هیچ سفیری حامل آن نبوده است. در این اعتبارنامه شاه ایران آنتونی را مثل برادر خود معرفی کرده است. (تاج‌بخش، ۱۳۴۰، ۱۰۰) بازرگانان انگلیسی در ماه ذی‌القعدة سال ۱۰۲۵ هـ.ق

بوده است؛ نخستین گروه ارمنه بودند که (جعفریان، ۱۳۷۹، ۹۶۵) از سرحدات عثمانی و جلفا به اصفهان کوچ داد که تشکیل محله جلفا (در ۱۰۱۵ هـ.ق) نتیجه این مهاجرت است. (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۷، ۱۱۵) گروه دوم مسیحیان گرجی بودند که به عنوان گروگان، اسیر یا هر عنوان دیگری در دربار صفوی حضور می‌یافتند. سوم اروپاییانی بودند که به دلایل تجاری، سیاسی، نظامی و یا جهانگردی عازم این شهر می‌شدند. (جعفریان، ۱۳۷۹، ۹۶۵) کشورهای اروپایی درصد برآمدند با ایجاد رابطه امتیازاتی برای حکومت‌های خود کسب کنند؛ از این رو هدایایی همراه با سفرای خود به دربار ایران می‌فرستادند؛ (شادقزوینی، ۱۳۸۶، ۲۴) ورود آنتونی شرلی^۱ و رابرت شرلی^۲ انگلیسی در سال ۱۰۰۸ هـ.ق و دو سال بعد از انتقال پایتخت ایران از قزوین به اصفهان، نشانه مرحله جدیدی از تأثیر اروپا بر هنر نگارگری ایران بود. (جوانی، ۱۳۸۵، ۱۳۷) و همچنین این دو برادر و شش انگلیسی دیگر از

1. Anthony Sherley.

2. Robert Sherley.

جدول ۱. روابط خارجی ایران و انگلیس از عصر شاه عباس اول تا آخر دوره صفویه. مأخذ: نگارندگان.

پادشاهان انگلستان (هم دوره)	حکام صفویه	سفیر، بازرگان، تاجر
الیزابت اول (۱۰۱۱-۱۰۶۵ ق.ه)	شاه عباس اول (۱۰۳۸-۱۰۹۶ ق.ه)	بازسازی ارتش ایران توسط برادران شرلی ۱۰۰۷ ق.ه ورود آنتونی و رابرت شرلی ۱۰۰۷ ق.ه اعزام سفرای ایران و آنتونی شرلی به سلاطین عیسوی
جیمز یکم (۱۰۳۴-۱۰۱۱ ق.ه)	شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ق.ه)	۱۰۳۶ ق.ه توماس هربرت و سردامور کاتون ۱۰۲۵ ه.ق نخستین کشتی تجاری انگلیس به نام جیمز
چارلز یکم (۱۰۵۹-۱۰۳۴ ق.ه)	شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ ق.ه)	۱۰۲۵ ق.ه ادوارد کنوک و ویلیام بل
دوران کرامول (۱۰۷۰-۱۰۵۹ ق.ه)	شاه سلیمان (۱۱۰۵-۱۰۷۷ ق.ه)	۱۰۳۹ ق.ه ویلیام ارل آف دن‌بی (سفیر چارلز اول)
چارلز دوم (۱۰۹۶-۱۰۷۰ ق.ه)	شاه سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۵ ق.ه)	۱۰۶۰ ق.ه هنری بارد تجارت آزادانه انگلیسی‌ها در دوران (شاه صفی)
جیمز دوم (۱۱۰۰-۱۰۹۶ ق.ه)		۱۰۶۶ ق.ه آرتور ادوارز (رییس هیئت مسکوی انگلیس)
		۱۰۸۸ ق.ه دکتر جان فرایر

روانه کند. (همان، ۱۵۶) پس از شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق.ه) پسرش عباس میرزا، معروف به شاه عباس دوم، تا سال ۱۰۷۷ ه.ق حکومت کرد. (نوابی، ۱۳۸۶، ۲۳۴) مورخین دوران ۲۵ ساله سلطنت شاه عباس دوم را یکی از ادوار مهم حکومت صفویه می‌دانند. (سجادی نائینی، ۱۳۹۱: ۱۰۹) در سال ۱۰۶۰ ه.ق بنا به مقاصد سیاسی هنری بارد^۵ به دربار شاه عباس دوم وارد شد. (طاهری، ۱۳۵۴، ۱۵۶) و پس از آن در سال ۱۰۶۶ ه.ق هیئتی از شرکت مسکوی انگلیس، به ریاست آرتور ادوارز به ایران آمد. (شریعت‌پناهی، ۱۳۷۲، ۴۷) بعد از فوت شاه عباس دوم، شاه صفی دوم معروف به سلیمان به سلطنت رسید و حدود بیست و هشت سال حکومت کرد. (جوانی، ۱۳۸۵، ۱۳۰) بسیاری از مورخین شروع سلطنت شاه سلیمان را به دلیل مدیریت غلط این حکمران مقدمه انحطاط سلسله صفویه می‌دانند. (سجادی نائینی، ۱۳۹۱، ۱۱۲) در سال ۱۰۸۸ ه.ق دکتر جان فرایر^۶ برای انجام مأموریتی از طرف شرکت هند شرقی انگلیس به دربار شاه سلیمان صفوی آمد. (طاهری، ۱۳۵۴، ۱۶۴) بعد از شاه صفی (شاه سلیمان) پسر ارشد او شاه

نخستین کشتی تجاری انگلیس به نام جیمز راه از بندر سورت به بندر جاسک فرستادند. با این کشتی گذشته از اجناس و کالاهای فراوان، هیئتی نیز به ایران آمد تا به حضور شاه عباس رسد و بنیان روابط بازرگانی دو کشور را استوار سازد. رئیس این هیئت ادوارد کنوک^۱ از بازرگانان بسیار مجرب و کاردان انگلیس بود. (مظاهری، ۱۳۸۲، ۳۵۸) از دیگر اعضای این هیئت، ویلیام بل^۲ بود و نخستین سرنشینی بود که پس از لنگرگیری، در بندر جاسک به ساحل رسید. (همان، ۳۰۴) شاه عباس پس از مرگ، نوه خویش سام‌میرزا، پسر صفی‌میرزا، را جانشین خود کرد. سام میرزا بعدها به نام شاه صفی معروف شد. (خزایی، ۱۳۶۸، ۲۹) در این دوره توماس هربرت به سال ۱۰۳۶ ه.ق، به همراهی سفیر انگلیس سر دادمور کاتون^۳ به ایران آمد. (طاهری، ۱۳۸۳، ۳۵۳) در سال ۱۰۳۹ ه.ق، ویلیام ارل آف دن‌بی^۴ از طرف چارلز اول به دربار ایران فرستاده شد. ویلیام حامل نامه‌ای از سمت چارلز بود که شاه صفی در پاسخ به این نامه از پادشاه انگلستان خواست یک نفر میناکار، یک تن ساعت‌ساز، چند تن از استادکاران ماهر در فن زرگری، الماس تراشی، تفنگ‌سازی، نقاشی و فنون توپخانه را به اصفهان

1. William Bell (1591-1624).
2. Edward Connock.
3. Sir Dadmore Cotton.
4. William Earl of Denbigh.
5. Henry Bard.
6. John Fryer.



ب



الف

تصویر ۴. الف: قسمتی از نقاشی پرتره چارلز اول در حال شکار. آنتونی وان دایک. ۱۰۴۴. ق. رنگ و روغن روی بوم. ۲۱۰×۲۷۰ سانتیمتر. موزه لوور، پاریس. مأخذ: دیویس و همکاران، ۱۳۸۸، ۶۹۳.
ب: قسمتی از نقاشی پرتره الیزابت اول. مارکوس گراتنر. ۱۰۰۰. ق. رنگ و روغن روی بوم. ۱۰۲/۴×۲۴۱/۳ سانتیمتر. گالری ملی پرتره لندن، مأخذ: همان، ۶۳۶.

سلطان حسین در تاریخ ۱۴ ذیحجه سال ۱۱۰۵ ه. ق. بر تخت سلطنت نشست. (جوانی، ۱۳۸۵: ۱۳۱) شاه سلطان حسین فرمان مسلمان کردن اجباری زرتشتیان و یهودیان را صادر کرد. همین مسئله باعث کوچ زرتشتیان به کرمان شد. گروه بسیاری از یهودیان در این دوره مسلمان شدند. (میراحمدی، ۱۳۶۹، ۱۰۱) و ریمر معتقد است: سنیان که در

لباس

مردمان عصر صفوی جامه‌هایی بس گرانبها و فاخر در بر می‌کردند. نظر به مشاهدات عینی در نگارگری‌های عصر صفوی جامه‌های مردان و زنان آن دوران را می‌توان به شرح زیر طبقه کرد:

– پوشش سر: عمامه، تاج، کلاه، سراندان زنان، بورک در دوره شاه عباس عمامه‌ها حجیم تر و بزرگتر گشت و به حالت رها بسته می‌شده است. جنس آن بیشتر از پارچه‌ای ابریشمی فاخر که اغلب گلابتون دوزی شده بود. در زیر عمامه های خود یک شب کلاه یا عرقچین چرمی بر سر می‌گذاشتند. در دوره های پس از شاه عباس عمامه‌ها مرتب و محکم بسته می‌شد و با پر یا گل تزیین می‌گشت. (حکیمیان، ۱۳۸۵: ۸۷، ۹۲) برادران شرلی در سفرنامه خود آورده‌اند که: زنها چادر و روبنده بر سر دارند و آفتاب هیچوقت به صورت آنها نمی‌تابد. (مهرآبادی، ۱۳۸۶، ۱۲۵) کلاه بورک (تصویر ۱) ترکیبی از پارچه و پوست یا خز و به صورت ساده یا با برش‌هایی در پس و پیش طراحی می‌شد. (نقوی، مراثی، ۱۳۹۱، ۱۲) بی‌تردید مشخص‌ترین مقوله از پوشاک مردان، سربند بود که نه تنها بر جنسیت مردانه آن‌ها دلالت داشت، بلکه موقعیت سیاسی و مذهبی را نیز مشخص می‌نمود. (رنج دوست، ۱۳۸۷، ۱۳۴)

مرزهای کشور می‌زیستند با کوچکترین فشار برای ورود به تشیع، ساز جدایی‌طلبی می‌زدند، این قضیه در مناطق افغان‌نشین امپراطوری صفوی رخ داد و در منطقه زمین داور و قندهار آتش زیر خاکستر شد و در نهایت طومار امپراطوری آخرین پادشاه سلسله صفوی، به‌دست افغان‌ها برچیده می‌شود. (جوانی، ۱۳۸۵: ۱۳۲)

ویژگی‌های چهره و پوشاک ایرانیان دوره ۱۱۳۵-۹۹۶ ه. ق.

با توجه به عدم وجود اسناد و امکاناتی مثل دوربین عکاسی از نمونه پیکره‌های ایرانی، ویژگی این پیکره‌ها را بیشتر از روی نمونه نقاشی‌ها، توصیفات مورخین و تاریخ نگاران استخراج کرده‌ایم؛ و در این بخش با استناد به آثار باقی مانده به وصف ویژگی‌های چهره و پوشاک ایرانیان این عصر می‌پردازیم.

چهره

شاردن و سانسون در سفرنامه‌هایشان در مورد چهره‌های ایرانی آورده‌اند که: سیاهی مو، در نزد ایرانیان، اعم از زلف، مژگان، ابرو و ریش، بسیار پسندیده بوده‌است. انبوه‌ترین و پرپشت‌ترین ابروان، بویژه اگر با هم در

جلو باز و آستین بلند با یقه ای برگردان که در پهلو با بندینک بسته می‌شد و دیگری قبا جلو باز و آستین کوتاه که دکمه‌هایی در جلو از بالا تا پایین داشت. (غیبی، ۱۳۸۵، ۴۲۳)

عبا در دوره صفویه دکمه یا بندینک نداشت و تنها بدین وسیله از قبا تشخیص داده می‌شد. (همان، ۴۳۰، ۴۲۹) در تصاویر ۲ و ۳ نمونه‌های پوشاک مردان و زنان از سفرنامه شاردن آورده شده است.



ب



الف

شال و کمر بند

از مهمترین تن پوش که در این دوره رواج داشته شال کمر است. تاورونیه در این باره می‌نویسد: روی قبا شال ابریشمی که دو سرش با گل و بوته زربافت شده به کمر می‌بندند. شاه عباس روی قبا کمربندی چرمین یا شالی به رنگهای گوناگون زیر شکم می‌بستند و خنجری زیر آن قرار می‌داد. (همان، ۴۳۰، ۴۳۱)

تصویره. الف: پرتره الیزابت اول. مارکوس گراتنر. ۱۰۰۰ ه.ق. رنگ و روغن روی بوم. ۱۳/۴۱×۲۴/۱۵ سانتیمتر. گالری ملی پرتره لندن. مأخذ: دیویس و همکاران، ۱۳۸۸، ۶۳۶. ب: مرد جوان در میان رُزها، نیکلاس هیلبارد، ۹۹۶ ه.ق. رنگ و روغن روی پوست، ۱۳×۷ سانتیمتر، موزه ویکتوریا و آلبرت لندن، مأخذ: همان، ۶۳۶.

شلوار و کفش

شلوار در این دوره بسیار گشاد و مانند شلوار کردی های امروزی بود و در مچ پا تنگ می‌شده است. (غیبی، ۱۳۸۵، ۴۳۵) کفش نیز بدون پاشنه با رویه و تخت چرمی بود که بای دوام بیشتر پاشنه آن را میخ کوب

پوشاک: پیراهن، قبا، جبه، خرقة، جلیقه (حکیمیان، ۱۳۸۵، ۸۷) در این دوره دو نوع قبا استفاده می‌شده است: یکی قبا



ج

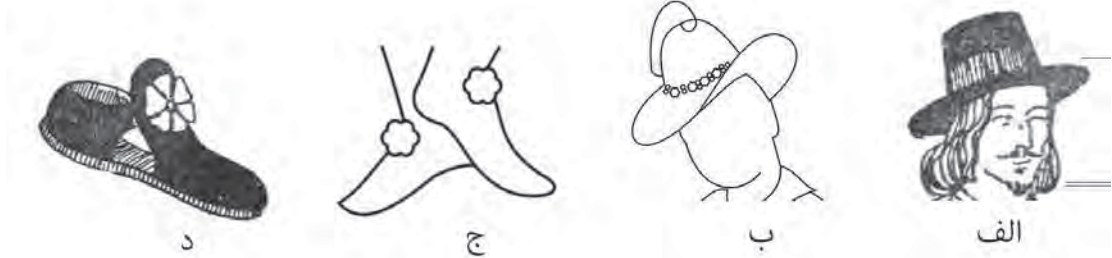


ب



الف

تصویر ۶: الف: تکچهره یک نفر اروپایی (احتمالاً رابرت شرلی). اصفهان. نیمه اول سده ۱۱ ه.ق. مجموعه ریتلینگر. مأخذ: پوپ، ۱۳۸۷، ۹۱۹. ب: خطوط محیطی تصویر الف، مأخذ: نگارندگان. ج: لباس مردان انگلستان دوره الیزابت. پیراهن دکمه‌دار، شلوار کوتاه چاکدار، نوارگره خورده بر دور گردن شمشیر. مأخذ: ویل کاکس، ۱۳۹۱، ۱۶۸.



تصویر ۷. الف: کلاه با پوست سگ آبی با نواری از پارچه کرپ، مأخذ: ویل کاکس، ۱۳۹۱: ۱۶۸. ب و ج: بزرگنمایی کلاه و کفش طرح خطی تصویر ۶، مأخذ: نگارندگان. ب و د: کفش مردانه از مخمل سیاه و گل کفش سفید سده ۱۰هـ.ق، مأخذ: ویل کاکس، ۱۳۹۱: ۱۷۰.



ج



ب



الف

تصویر ۸. الف: اروپایی ایستاده با سگ. رضا عباسی. اصفهان. ۱۰۳۷ هـ.ق. آبرنگ روی کاغذ. ۲۴×۳۹ سانتیمتر. مأخذ: کنبی، ۱۳۸۹: ۱۵۵. ب: خطوط محیطی تصویر الف، مأخذ: نگارندگان. ج: قسمتی از نقاشی پرتره چارلز اول در حال شکار. آنتونی وان دایک، ۱۰۴۴ هـ.ق. رنگ و روغن روی بوم. ۲۷۰×۲۱۰ سانتیمتر. موزه لوور، پاریس. مأخذ: دیویس و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۹۳.

برخی شمایل‌نگاری‌های پیچیده نیز به آن افزود که ملکه را خرسند می‌کرد. (دیویس و همکاران، ۱۳۸۸، ۶۴۵) در دوره چارلز اول و جیمز اول، مردان زینتهای بسیاری به کار می‌بردند؛ از جمله گوشواره که محبوب‌ترین آن از مروارید و الماس ساخته می‌شد. (تصویر ۴. الف) نوع آرایش سر بدین‌سان بود که موها را از بالای پیشانی و از روی یک شبکه سیمی به عقب می‌بردند و با ذرات سنگ‌های گران‌بها تزیین می‌کردند زنان برای هرچه زیباتر جلوه دادن خود از موی مصنوعی، رنگ مو، رنگ و پودر و خال بهره می‌جستند. (تصویر ۴. ب) (ویل کاکس، ۱۳۹۱، ۱۸۸، ۱۸۹)

چارلز اول نقاشی سقف یک قصر ضیافت را به روبنس^۱ سفارش داد؛ و چندی بعد، دیک^۲ کارهای نقاشی دربار

می‌کردند؛ از دیگر پاپوش‌های این دوره گیوه بوده که هم اکنون نیز رواج دارد. (همان ۴۴۶، ۴۴۸)

ویژگی‌های چهره و پوشاک انگلیسیان دوره ۱۱۳۵-۹۹۶ هـ.ق

چهره

چهره‌نگاری هنری غالب در انگلستان زمان هنری هشتم و الیزابت اول بود، زیرا اصلاحات انگلیسی بازار هنر مذهبی را کساد کرده و هنرمندانی از سراسر قاره سبک‌هایی از آلمان، ایتالیا، هلند و فرانسه را با خود به انگلستان آوردند. پرتره‌های هولباین از سنت شمال اروپا و ایتالیایی الهام گرفته بودند. هنر در دوره الیزابتی از دستاوردهای هولباین بهره می‌برد، اما

1. Dyck. (1641-1599).

2. Dyck. (1641-1599)



تصویر ۹. الف: منظره دیدار خسرو و شیرین. محمد قاسم اصفهان. اواسط سده ۱۱ ه. ق. آبرنگ روی کاغذ. ۱۲×۲۲ سانتیمتر. مجموعه چستر بییتی. مأخذ: جوانی، ۱۳۸۵، ۲۵۳. ب: بزرگنمایی پیکره زن از تصویر الف. ج: خطوط محیطی تصویر ب.

چهره‌نگاری آرمانی و اشرافی باب شده که به سختی بیانگر حالات درونی پیکره بودند. از سوی دیگر، در نگاره‌های شخصی هنرمندان، که تنها بیان‌کننده تمایلات درونی نگارگر بود، چهره‌پردازی کاملاً متفاوتی مشهود است که چهره‌هایی پرحالت و گویا را به نمایش می‌گذارد. (حسنوند، آخوندی، ۱۳۹۱، ۲۸)

در نگارگری مکتب اصفهان پیکره انسان کاملاً در آن مسلط است؛ و استادان عمدتاً صحنه‌های زندگی روزمره، جوانان سرمست، درویشان، و تک‌چهره‌ها را تصویر کرده‌اند. بدین‌سان، نظام زیبایی‌شناختی نگارگری ایرانی در مکتب اصفهان دگرگون شد. (پاکباز، ۱۳۹۰، ۳۲، ۳۳)

در مکتب اصفهان صورت‌هایی کشیده و بیضی‌گونه همراه با چشمان درشت و کشیده، که ابروانی کمانی با فاصله نه‌چندان زیاد بر بالای آن نشانده شده؛ بینی با خطی لطیف، فاصله ای مابین چشمان و لبان غنچه ای ایجاد کرده بود. این عناصر ذکر شده در آثار هنرمند به نام این دوران، رضا عباسی، بسیار دیده می‌شود. با رواج گرایش به هنر اروپا، چهره‌پردازی در نگارگری سنتی ایران دچار تحولی ژرف شد و به مرور زمان سنت‌ها و اصول چهره‌پردازی که طی سده‌های متمادی الگوی هنرمندان نگارگر بود نادیده گرفته شد و چهره‌نگاری به سوی چهره‌پردازی واقع‌گرایانه پیش رفت. علاقه شخص شاه به نقاشی‌های اروپایی عامل مهمی در جهت‌گیری این روند بود. (حسنوند، آخوندی، ۱۳۹۱، ۲۹)

پوشاک مردان

از ویژگی‌های دیگر این مکتب عمامه‌ای است که مردان بر سر می‌گذارند و بر روی آن گل‌ها و شکوفه‌هایی با ساقه‌های بلند است. (ساریخانی، ۱۳۸۳، ۲۷) شاردن

او را برعهده گرفت. فعالیت دیک در انگلستان، تأثیری ماندنی بر چهره‌نگاری انگلیسی گذاشت. البته آن ظرافت و آراستگی درباری که به خوبی در تک‌چهره‌های دیک بازتاب یافته بود، دیری نپایید. با شروع جنگ داخلی و اعدام چارلز اول، دربار انگلیس دستخوش نابسامانی شد. (پاکباز، ۱۳۹۰، ۷۴۱)

پوشاک

در بسیاری از تک‌چهره‌های سده ۱۰ ه. ق (۱۶م)، نه خود اشخاص بلکه جامگان فاخرشان جلوه می‌نمایند. اما در کار ریزنگارانی چون هیلارد^۱ و دنباله‌روان او ظرافت و زیبایی خاصی به چشم می‌خورد. (پاکباز، ۱۳۹۰، ۷۴۱)

در تصویر ۵: الف، الیزابت یکی از لباس‌های پرنقش و نگار مور علاقه‌اش را به تن دارد، و به طرزی معنادار در رنگ سفید، رنگ دوشیزگی است؛ الیزابت با گفتن این که با انگلستان ازدواج کرده است، همواره از ازدواج سر باز می‌زند. (دیویس و همکاران، ۱۳۸۸، ۶۳۶) آستین لباس مردان از جنس و رنگ نیم‌تنه، و یا متفاوت با آن بود، و سر آستین‌ها برگردان داشت. (ویل کاکس، ۱۳۹۱، ۱۸۷) که نمونه آن در تصویر ۵: ب، مشاهده می‌شود.

کلاه در این دوره از پوست سگ آبی بود، که بسیار مرغوب و زیبا بود. این کلاه تاجی بلند و اندکی مخروطی، لبه ای نه‌چندان عریض و اندکی لوله شده داشت و به وسیله پر، و نوار دور تاج، تزیین می‌شد. این نوار، قیطان، روبان، و یا گردنبندی جواهر نشان بود. (همان: ۱۸۸؛ تصویر ۷ الف)

بررسی پیکره‌های نگارگری مکتب اصفهان چهره

با روی کار آمدن دولت صفوی، تحولات فرهنگی و سیاسی در سطح جامعه روی داد که بر نقاشی و چهره‌نگاری این دوره تأثیر مستقیم داشت. این تفاوت‌ها نه تنها در شیوه طراحی و سبک نگاره‌ها، بلکه در موضوع و فضای کلی نقاشی این دوره قابل مشاهده است. در این دوره نیز مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر نگارگری و چهره‌نگاری تغییر رویه حمایت حامیان از هنرمندان و نسخ خطی است. با گذشت زمان، تغییر سلیقه پادشاهان و کاهش حمایت دربار از رشد طبقه بازرگان باعث وابستگی هنرمندان و در مقابل هنرمندان به سفارش‌های ثروتمندان غیردرباری شد، اما از آن‌رو که این هنرپروران جدید امکان تأمین هزینه سنگین نسخه‌های مصور را نداشتند به سفارش تکنکارها بسنده می‌کردند و این کار باعث ظهور رواج طراحی و نقاشی جداگانه و مستقل از کتاب شد و نوعی

۱. نخستین نقاش انگلیسی که سند موثق از کار و زندگی‌اش در دست است. (Hilliard. 1619-1547)

که احتمالاً به منظور جاگرفتن در آلبوم‌های متعلق به افراد خاندان سلطنت یا اشراف، یا برای فروش به اشخاص طبقات پایین‌تر کشیده شده‌اند. (سیوری، ۱۳۸۰، ۱۲۸)

شناسایی و تحلیل نمونه پیکره‌های انگلیسی در مکتب نقاشی اصفهان

نمونه پیکره شماره ۱ (تصویر ۶):

در زمان ورود رابرت شرلی (۱۳۰۶ ق. ۱۳۹۸ م) به ایران، ملکه الیزابت بر انگلستان حکومت می‌کرد. پوشاک دوران الیزابت، با تأثیرپذیری از پوشاک اسپانیایی، که نتیجه وصلت دربار اسپانیا و انگلیس بود، شکلی ویژه یافت، مردان، شلواری ونیزی، که قسمت بالای آن پفدار و در ناحیه زانو چسبان بود و چاک‌ها و پف‌هایی چند داشت، می‌پوشیدند. همچنین جلیقه لایه‌دار که منشاء اسپانیایی داشت نیز مورد استفاده مردان قرار می‌گرفت. (ویل‌کاکس، ۱۳۹۱، ۱۶۳، ۱۶۴) (تصویر ۱۱) رابرت شرلی بنا به گفته آقای طاهری، ریشش را همیشه می‌تراشیده است و پیکره تصویر ۱۰ با صورتی صاف و بدون ریش نشان داده شده است. (طاهری، ۱۳۵۴، ۱۳۲)

ج: لباس مردان انگلستان دوره الیزابت. پیراهن دکمه‌دار، شلوار کوتاه چاکدار، نوآرگره خورده بر دور گردن شمشیر. مأخذ: ویل‌کاکس، ۱۳۹۱، ۱۶۸.

کلاه در اشکال گوناگون، با لبه باریک و تاج بلند یا کوتاه متداول بود و با نواری از ابریشم، پشم، تور، زنجیرطلا و یا پر تزیین می‌یافت. روی کفش را با انواع تور و جواهر تزیین می‌کردند و با گل کفش زیبایی می‌بستند. (ویل‌کاکس، ۱۳۹۱، ۱۶۴) (تصاویر ۱۲، ۱۳) چهره نیز سفید تر با چشمانی ریزتر از نمونه‌های ایرانی ترسیم شده است.

با وجود این شباهت‌ها در پوشش این نگاره و چهره‌ای متفاوت از سبک اصفهان می‌توان احتمال داد که این نگاره رابرت شرلی است.

نمونه پیکره شماره ۲ (تصویر ۸):

با بررسی لباس و کلاه اروپایی ایستاده با نقاشی چارلز اول، این احتمال را افزایش می‌دهد که اروپایی ایستاده یک انگلیسی است. در دوره چارلز اول، کلاه‌ها از جنس پوست سگ آبی با لبه عریض استفاده می‌شد. (ویل‌کاکس، ۱۳۹۱، ۱۹۱) کلاه و در هر دو تصویر تطابق کامل دارد و پابندی که در زیر زانو گره خورده تقریباً شبیه به هم است. از لحاظ چهره، رضا عباسی با اندک تفاوتی با چهره‌های دیگر نگاره‌های این نگاره را تمایز کرده است؛ و این موارد وجود شخصیتی انگلیسی که

ایرانیان را در حفظ پوشاک سنتی خود و تغییر ندادن رنگ یا نوع پارچه یا سبک دوخت آن محتاط‌ترین و دوراندیش‌ترین مردم جامعه جهان می‌انگارد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ۱۸)

کلاه فرنگی همانگونه که از نامش برمی‌آید سوغاتی از سرزمین‌های دوردست بوده است، که به سرعت در نزد ایرانیان مقبول واقع شد تا جایی که همچون کلاه صفوی خیل مردم از آن استفاده می‌کردند و به واسطه شباهتی که کلاه فرنگی با کلاه‌های شکاری مورد علاقه جوانان داشت این کلاه در میان قشر جوان از نفوذی گسترده برخوردار شد تا جایی که در نگارگری‌های مکتب اصفهان کلاه فرنگی بیش از سایر کلاه‌ها به چشم می‌خورد. (خلج امیرحسینی، ۱۳۸۹، ۸۲) در این دوران لباس‌ها مجلل و بیش از پیش تنگ و چسبان شدند و قبا تا حدودی کوتاه‌تر شد. این قباها اگر کوتاه و بی آستین بودند کُردی و اگر بلند و آستین‌دار بودند کُربی نامیده می‌شدند. (رنج دوست، ۱۳۸۷، ۱۳۳)

در سلطنت جانشینان شاه عباس کبیر - شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان، سلطان حسین - شیوه مورد پسند شاهزادگان بیش از پیش به شربت و گلاب آمیخته می‌شود. آراستگی هیئتشان خلاصه شده است در آن عمامه‌های بزرگی که از زمان شاه عباس مُد روز گردیده، و ابزار خودآرایی جوانان قرار رفته بود. همچنین زوجهایی در جنس مخالف نیز در کنار هم به نقش درآمده‌اند. (کُورکیان، ۱۳۷۷، ۴۸) رایج شدن تصاویر اروپایی و همچنین رفت و آمد و حضور جمعیت کثیری از آنان در اصفهان، به رواج نوعی سلیقه در تقلید از پوشش اروپایی در میان ایرانیان و حتی شاه و درباریان انجامید. (محبی، ۱۳۹۰، ۱۳، ۱۷)

پوشاک زنان

یکی از بارزترین ابزار تفرق برای تشخیص شخصیت‌های زن و مرد در نقاشی ایرانی، پوششی است که بر روی سر می‌نهند. (خلج امیرحسینی، ۱۳۸۹، ۸۰) زنان در نقاشی‌های این دوره کلاه‌های مخروطی به سر می‌کردند که گاه اشکالی نیز بر آن ملایه‌دوزی شده بود، ولی اغلب از روسری ساده یا نقشدار استفاده می‌کردند که گاه جقه‌هایی بر آن نقش بسته بود. (ساریخانی، ۱۳۸۳، ۲۶) لباس زنان ایرانی متشکل از لایه‌های مفصل و اجزای گوناگون بوده است. تعبیر دقیق و اغلب صریحی که از لباس خانگی زنان شده حائز اهمیت است، چون که معمولاً زنان در ملاعام مستور بوده و تعداد قلیلی قادر به توصیف لباس آنها شده‌اند. (رنج دوست، ۱۳۸۷، ۱۳۱)

نقاشی‌های تهیه شده در کارگاه‌های سلطنتی از زمان عباس اول به بعد نقاشی‌ها و طراحی‌ها تک‌ورقی هستند



تصویر ۱۱. آبرنگ روی کاغذ، بارقم رضا عباسی، ۱۰۴۳ ه.ق.، ۱۹/۴×۱۴/۵ سانتیمتر، موسسه هنری دیترویت، مأخذ: کنبی، ۱۳۸۹: ۱۵۷



ب



الف

تصویر ۱۰. الف: آن کریسکر. هانس هولباين پسر. ۵۹۳۴ ه.ق. گچ‌های سیاه و رنگین روی کاغذ. ۲۶/۹×۳۷/۹ سانتیمتر. کتابخانه سلطنتی قصر وینزر. مأخذ: گامبریج، ۱۳۹۰: ۳۶۶. ب: باسکین یا چکمه نرم و چسبان. مأخذ: ویل کاکس، ۱۳۹۱: ۲۳۵.

استفاده می‌شده، و سربندی که در سده ۱۰ ه.ق زنان انگلیسی برای پوشش سر خود بکار می‌بردند، ظاهر شده است. این پوشش با توجه به تصویر ۱۵، توسط زنان انگلیسی از قرن ۱۰ ه.ق باب شده است. با در تاریخ ثبت این نگاره اشخاص بسیاری همچنن سفیر و تاجر به ایران رفت و آمد داشتند که احتمالاً این نگاره از روی همسر یکی از این افراد نقش شده است.

این نمونه پیکره در این نگاره بیشتر از پوشاک انگلیسی تصویر برداری شده است؛ این در حالی است که با نگاه کردن به صورت شیرین در این نگاره، که با چشمانی کشیده و ابروانی پرپشت ترسیم شده، بیشتر شیوه چهره‌پردازی مکتب اصفهان شاهدیم.

پی‌یترو دل‌واله^۲ جهانگرد ایتالیایی که به سال ۱۰۲۵ ه.ق در زمان شاه‌عباس بزرگ مسافرتی به ایران کرده‌است در سفرنامه خود اشاره‌ی به نفوذ شیوه اروپایی در نقاشی ایرانی کرده می‌نویسد: [نفوذ شیوه نقاشی غربی در نقاشی ایرانی به این ملت نشان می‌دهد که ایشان به‌تنهایی در این رشته صاحب ذوق نبوده‌اند و ملل غرب را نیز از این ذوق بهره‌ای است.] (ولش، ۱۳۷۳: ۱۸)

در واقع وجود داشته است را افزایش می‌دهد. (تصاویر ۱۵) طراحی‌های پوشاک دوره حکومت چارلز اول در انگلستان از پوشاک فرانسوی‌ها پدید آمد، بدون تردید، ثمره خویشاوندی و وصلتهای طبقات حاکم انگلستان و فرانسه بود. شلوارها گشاد بود و در قسمت بالای زانو به وسیله دکمه یا با بند جورابی از روبان بسته می‌شد. شل‌ها بلند و تا سر زانو می‌رسید. (ویل کاکس، ۱۳۹۱: ۱۸۷، ۱۸۸)

چارلز اول در سال ۱۰۳۶ ه.ق نخستین سفیر رسمی خود، سر دادمور کاتن را به دربار ایران اعزام داشت. متأسفانه سر دادمور دوماه پس از ورود به ایران درگذشت، یعنی اندکی کمتر از یک سال پیش از این که نگاره اروپایی ایستاده با سگ به وسیله رضا تهیه شود. اگر چه هویت دقیق این مرد نامعلوم است، محتمل به نظر می‌رسد که انگلیسی بوده باشد، زیرا افراد باقیمانده هیأت سفارت انگلستان، از جمله تامس هربرت، هنوز در سال ۱۰۳۷ ه.ق یعنی سال تکمیل این نقاشی در اصفهان بودند. (کنبی، ۱۳۸۹: ۱۵۸، ۱۵۹)

نمونه پیکره شماره ۳ (تصویر ۹):

تصویر ۱۴ از محمد قاسم هنرمند دوره شاه عباس اول است. وی در تجسم سنخ زیبارویان و دلدادگان بلند قامت، شیوه و اسلوب خاص خود را به کار می‌برد. (پاکباز، ۱۳۹۰: ۵۲۲) پیکره شیرین در مرکز تصویر، با لباس و پوشش انگلیسی از جمله: چکمه باسکین^۱، (تصویر ۱۶) نشانه علاقه به نقش‌کردن لباس‌های انگلیسی، حتی برای زنان است. در این تصویر شیرین با این نوع چکمه که توسط انگلیسی‌ها

نمونه پیکره شماره ۴ (تصویر ۱۱):
در این اثر رضا عباسی لباس‌های مرد و سگ دست‌آموز او خبر از وجود شخصی غیر ایرانی می‌دهد. در تصویر ۱۱، جامه خارجی، پوست صورتی، و چشمان و موی سر قهوه‌ای مرد به تمامی او را از تک چهره‌های سبزه ایرانیان در آثار رضا متمایز می‌کند. (کنبی، ۱۳۸۹: ۱۶۰) کلاه این پیکره از نوع کلاه‌هایی است که مردان انگلیسی در دوران چالز یکم بر سر می‌گذاشتند.

۱. باسکین چکمه چسبانی بود از چرم نرم یا پارچه، متداول بود. (ویل کاکس، ۱۳۹۱: ۲۲۸)
2. Pietro Della Valle



ج



ب



الف

تصویر ۱۲. الف: جوان با لبس اروپایی. رضا عباسی. مکتب اصفهان. ۱۰۳۸ ه.ق. مأخذ: خزایی، ۱۳۶۸، ۲۴۸. ب: صورت رضا. معین مصور. ۱۰۸۳ ه.ق. کتابخانه دانشگاه پرینستون. مأخذ: کنیی، ۱۳۸۹، ۲۱۳. ج: چکمه‌های چرمی دو تکه. مأخذ: ویل کاکس، ۱۳۹۱، ۱۹۶.

این دو تصویر که یکی توسط میریوسف از هنرمندان مکتب اصفهان و دیگری تصویری از پوشاک دوران کرامول است، شباهت بسیار زیادی به هم دارند. شل فراخ خاکستری تیره با آستر خاکستری روشن، کلاه از نمد و چکمه‌های چرمی (ویل کاکس، ۱۳۹۱، ۲۰۰) به دلیل مشخص نبودن تاریخ مشخص این نگاره نمی‌توان آن را به شخص خاصی نسبت داد، ولی از نوع پوشش و حالت و اجزای چهره شباهت کمتری به نمونه پیکره‌های ایرانی دارد، احتمال زیاد این نمونه پیکره از شخصیت‌های انگلیسی است که در این دوران به ایران آمده و نوع پوشش آنها بر نگارگری این

(تصویر ۷: الف) چکمه‌های بلند او که همانند چکمه‌های پرتله چارلز اول اثر وان دایک (تصویر ۸: ج) است، این نگاره را به شخصیتی انگلیسی نزدیکتر می‌کند. سچوکین نیز معتقد است که این اروپایی و سگ او همان شخصیت در اثر اروپایی ایستاده با سگ از رضا عباسی است. (تصویر ۸: الف). (همان، ۱۶۰) چهار سال پیش از خلق این نگاره توسط رضا عباسی، ویلیام ارل آف دن‌بی به ایران آمد؛ وی سفیر چارلز اول بود. کلاه و چکمه و شلواره نگاره تصویر ۱۱ شباهت چشمگیری به پوشش چارلز اول در نقاشی تصویر ۸: ج دارد.



ب



الف

تصویر ۱۳. الف: جوان اروپایی. میریوسف. مکتب اصفهان. قرن ۱۱ ه.ق. مأخذ: خزایی، ۱۳۶۸، ۴۰۴. ب: مرد کرامولی. مأخذ: ویل کاکس، ۱۳۹۱، ۲۰۰.

مشخص است که این خارجی‌ان دل‌رضا را ربنده بودند چون نه تنها وی تک‌چهره‌های بسیاری از اروپایی‌ها دارد، بلکه تک‌چهره معروف معین مصور از رضا او را در حال نقاشی یک اروپایی نشان می‌دهد. (تصویر ۱۲: ب) (کنیی، ۱۳۸۹، ۱۶۰) تک‌چهره نقاشی شده توسط معین مصور به تصویر ۱۲: الف شباهت زیادی دارد. در این تصویر از شل ساتن و همچنین چکمه‌های چرمی دو تکه با لبه برگردان در زیر زانو (تصویر ۲۰) که هر دو در دوران حکمرانی چارلز اول مورد استفاده مردان انگلیسی بوده، تصویر شده است؛ و همچنین همانندی کلاه این نگاره با نگاره تصویر ۸ نشان از شخصیتی انگلیسی است. چهره‌پردازی در این اثر با چشمان کشیده و ابروانی کوتاه و کمرنگ و صورتی سفیدگون، به تصاویر قبلی به خصوص تصویر ۱۱ شباهت چشمگیری دارد.

نمونه پیکره شماره ۶ (تصویر ۱۳):

نتیجه

سلسله صفویه از نظر موقعیت سیاسی و اجتماعی در دوره‌ای از پیشرفت‌ها و ارتباطات بود. در این دوره روابط سیاسی، اجتماعی، و تجاری با کشورهای زیادی برقرار بود و در آثار برخی هنرمندان نیز تأثیرات زیادی گذاشت. برخی از پیکره‌های انسانی از قواعد و اصول مکتب خود خارج شده و خصوصیتی غیرایرانی را در خود جای داده‌اند؛ که باعث ظهور نمونه پیکره‌هایی خاص شده است. در دوره شاه عباس اول به بعد اروپاییان حضور پررنگی در ایران پیدا می‌کنند. در این دوره انگلیسی‌ها بیشتر از هر کشور اروپایی دیگر، به ایران آمده و در موارد نظامی چون: تعلیم سپاه توسط رابرت و آنتونی شرلی و همچنین بیرون راندن پرتغالی‌ها از جزیره قشم به دولت صفویه یاری رساندند. پس از شاه عباس اول و در زمان جانشینان وی، روابط با اروپاییان همچنان ادامه داشت؛ این روابط بر نقاشی ایرانی تأثیر بسیاری گذاشت.

ورود چشمگیرترین عناصری که از پیکره‌های انگلیسی بر پوشش پیکره‌های نگارگری مکتب اصفهان اثر گذاشته‌اند عبارتند از: کلاه، چکمه، شل. این عناصر در آثار هنرمند بنام این دوران، رضا عباسی و شاگردانش: محمد قاسم و میریوسف موثر بوده است.

چهره‌نگاری نیز همچون پوشش دستخوش تحولاتی شد. رنگ صورت نگاره‌ها همانند نقاشی‌های موجود از هنرمندان انگلیسی، رنگ پریده و سفیدتر از صورت‌های ایرانی است؛ این صورت سفید با موهایی کوتاه و اصلاح کرده پوشیده شده که نمونه بارز آن در تصویر ۱۱ از رضا عباسی دیده می‌شود. بنا به تصاویر و منابع موجود انگلیسیان ریش و سبیل خود را همیشه می‌تراشیدند و این مسئله به سفیدی صورتشان می‌افزود. صورت پیکره‌های انگلیسی در بیشتر تصاویر چشمان کشیده و باریکتری نسبت به پیکره‌های ترسیم شده در نگارگری‌های ایرانی دارد، نمونه‌های این مشخصه را در تصویر ۶ می‌توان دید. ولی به طور کلی چهره‌پردازی به سبک نمونه پیکره‌های انگلیسی کمتر از جامه به نگارگری مکتب اصفهان نفوذ کرده است؛ و وفاداری بیشتری به نقاشی این دوران داشته است.

و در آخر با ورود این پیکره‌ها به نقاشی مکتب اصفهان، و علاقه‌مندیهنرمندان این دوران، به نوع پوشش و حالت‌های مختلف، و با فاصله گرفتن از ویژگی‌های مکتب اصفهان و گرایش به نقاشی اروپایی، سبک اروپایی مآب جایگزین مکتب اصفهان شد.

منابع و مآخذ

باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم، ۱۳۶۷، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، چاپ چهارم. تهران: صفی‌علیشاه.

پاکبان، رویین، ۱۳۹۰، دایره‌المعارف هنر، چاپ دهم. تهران: فرهنگ معاصر.

پوپ، آرتوراپهام، ۱۳۸۷، سیری در هنر ایران، جلد ۱۰. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

تاج‌بخش، احمد، ۱۳۴۰، ایران در زمان صفویه، تبریز، کتابفروشی چهره.

جعفریان، رسول، ۱۳۷۹، صفویه در عرصه‌دین، فرهنگ و سیاست، چاپ اول، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

جوانی، اصغر، ۱۳۸۵، بنیان‌های مکتب نقاشی اصفهان. تهران: فرهنگستان هنر.

حسنوند، محمدکاظم و آخوندی، شهلا، بررسی سیر تحول چهره‌نگاری در نگارگری ایران تا انتهای دوره صفویه، نگره، ۲۴، زمستان ۱۳۹۱، ۱۵-۳۵.

حکیمیان، بدری، بررسی فرم و طرح جامه‌های دوره صفوی از طریق مکاتب نگارگری، فرهنگ اصفهان، ۳۲، تابستان ۱۳۸۵، ۸۶-۹۹.



- خزایی، محمد، ۱۳۶۸، کیمیای نقش، چاپ اول. تهران: انتشارات حوزه هنری.
- خلج امیرحسینی، مرتضی، ۱۳۸۹، رموز نهفته در هنر نگارگری. تهران: کتاب آبان.
- دلاواله، پیتر، ۱۳۷۰، سفرنامه پیتر دلاواله قسمت مربوط به ایران، ترجمه شعاع‌الدین شفا، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی.
- دیویس و همکاران، ۱۳۸۸، تاریخ هنر جنسن، ترجمه فرزانه سجودی و همکاران. تهران: فرهنگسرای میردشتی.
- رنج دوست، شبلم، ۱۳۸۷، تاریخ لباس ایران، چاپ اول. تهران: جمال هنر.
- ساریخانی، مجید، نقاشی ایران از دوره صفویه تا اواخر قاجاریه، میراث جاویدان، ۴۷ و ۴۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ۲۴-۲۹.
- سجادی نائینی، مهدی، ۱۳۹۱، تاریخ اصفهان، چاپ پنجم، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- سیوری، راجر، ۱۳۸۰، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ نهم. تهران: نشر مرکز.
- شادقزوینی، پریسا، ۱۳۸۶، تغییر شیوه نگارگری در دوره شاه عباس اول، انحطاط یا نوآوری، مجموعه مقالات نگارگری، گردهمایی مکتب اصفهان، چاپ اول. تهران: فرهنگستان هنر.
- شریعت پناهی، حسام‌الدین، ۱۳۷۲، اروپاییها و لباس ایرانیان. تهران: قومس.
- طاهری، ابوالقاسم، ۱۳۸۳، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، چاپ چهارم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- طاهری، ابوالقاسم، ۱۳۵۴، تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران، چاپ اول. تهران: چاپخانه بهمن.
- غیبی، مهرآسا، ۱۳۸۵، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، چاپ اول. تهران: هیرمند.
- کنبی، شیلا، ۱۳۸۹، رضا عباسی اصلاح‌گر سرکش، ترجمه یعقوب آژند، چاپ دوم. تهران: فرهنگستان هنر.
- کُورکیان، ام، ۱۳۷۷، باغ‌های خیال، ترجمه، پرویز مرزبان، چاپ اول، فرزانه.
- گمبریچ، ارنست هانس، ۱۳۹۰، تاریخ هنر، ترجمه علی رامین، چاپ هفتم. تهران: نشر نی.
- مظاهری، هوشنگ، ۱۳۸۲، آرامگاه خارجیان در اصفهان، ترجمه فریا فدایی، چاپ دوم، اصفهان، غزل.
- محبی، حمیدرضا، پیکره انسان در نقاشی صفوی (اصفهان)، نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ۵۵-۷۶.
- موسوی‌بجنوردی، کاظم، ۱۳۸۵، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۴، چاپ اول. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- مهرآبادی، میترا، ۱۳۸۶، زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، چاپ دوم. تهران: آفرینش.
- میراحمدی، مریم، ۱۳۶۹، دین و دولت در عصر صفوی، چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- نقوی، منیرالسادات و مرآتی، محسن، ۱۳۹۱. مطالعات تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوران صفوی با تأکید بر دیوارنگاره‌های کاخ چهلستون اصفهان، مطالعات تطبیقی هنر، ۳، ۱-۱۸.
- نوایی، عبدالحسین، ۱۳۸۶، تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، چاپ چهارم. تهران: سمت.
- ولش، استوارت کری، ۱۳۷۳، مینیاتورهای مکتب ایران و هند، ترجمه یحیی نکاء، چاپ اول. تهران: یساوولی.
- ویل‌کاکس، روت‌ترنر، ۱۳۹۱، تاریخ لباس، ترجمه شیرین بزرگمهر، چاپ پنجم. تهران: توس.
- Canby, Sh, 2009, Shah Abbas The Remaking Of Iran, The British Museum Press.



- Khalaj Amir Hosseini, Morteza, 2010, The Rhymes in the Art of Painting, Tehran, Book of Aban.
- Khazaei, Mohammad, 1989, KimiyaRokh, First Printing, Tehran, Art Hall Publishing.
- Korkian, A.M., 1998, Furnish Gardens, Translation, ParvizMarzban, First Edition, Farzan.
- Gombrich, Ernest Hans, 2011, History of Art, Translation by Ali Ramin, Seventh Edition, Tehran, Publishing.
- Mazaheri, Hooshang, 2003, Tomb of Foreigners in Isfahan, translated by FarayaFadaei, Second Edition, Isfahan, Ghazal.
- Mehrbadi, Mitra, 2007, Iranian woman narrated by Tehran travel writers, second edition, Tehran, Creation.
- Mirahmadi, Maryam, 1990, Religion and government in the Safavid era, Second edition, Tehran, Amir Kabir.
- Mohebbi, Hamid Reza, Human statue in Safavid painting (Isfahan), Letter of Visual Arts and Applied Arts, 8, Autumn and Winter 2011, 55-76.
- MusaviBojnourdi, Kazem, 2006, The Great Islamic Encyclopedia, 14, First Printing, Tehran, Islamic Center of the Great Encyclopedia.
- Naghavi, Monirasadat and Marati, Mohsen, comparative studies of men's hats in Safavid's travelogues and paintings, with emphasis on the walls of the Chehelsoot Palace of Isfahan, comparative studies of art, 3, spring and summer 2012, 1-18.
- Nawaie, Abdolhossein, 2007, political, social, economic and cultural history of Iran during the Safavid era, fourth edition, Tehran, pos.
- Pakbaz, Royan, 2011, Encyclopedia of Art, 10th edition, Tehran, Contemporary Culture.
- Pup, Arthur Paham, 2008, Siri in Iranian Art, Volume 10, Tehran, Scientific and Cultural Company.
- Ranjdst, Shabnam, 2008, Iranian Clothing Date, First Printing, Tehran, Jamal Art.
- SajjadiNaeini, Mehdi, 2012, Isfahan History, Fifth Edition, Isfahan, Isfahan Municipality Cultural and Recreational Organization.
- Sarikhani, Majid, Iranian Painting from Safavid Period to Late Qajar, Javidan Heritage, 47 and 48, Autumn and Winter 2004, 24-29.
- Shadghzvini, Parisa, 2007, Change in the style of painting in the period of Shah Abbas I, decadence or innovation, collection of articles of painting, the gathering of the school of Esfahan, first edition, Tehran, Art Academy.
- ShariahPanahi, Hesamoddin, 1993, Europeans and Clothing of Iranians, Tehran, Gomes.
- Taheri, Abolghasem, 1973, The history of British and Iranian commercial and political relations, First edition, Tehran, Bahman printing house.
- Taheri, Abolghasem, 2004, Political and Social History of Iran, Fourth Edition, Tehran, Scientific and Cultural Company.
- TajSaffah, Ahmad 1961, Iran during the Safavid era, Tabriz, bookstore of the face.
- Welch, Stuart Kerry, 1994, miniatures of the school of Iran and India, translation of YahyaZaka, first edition, Tehran, Yasawi.
- Will Cox, Ruth Turner, 2012, Dress Date, ShirinBommorra Translation, Fifth Edition, Tehran, Toos.



Finally, six miniatures of Isfahan School which have been influenced by British characters and paintings are analyzed.

Shah Abbas I and his successors welcomed the British arrivals to Iran. Subsequently, the British style and characteristics gradually emerged in the miniatures of Isfahan school and clearly influenced works of some artists. Then a series of human figures went beyond the principles of their schools and included non-Iranians features which led to the emergence of specific samples.

In this period, the British came to Iran more than any other European nationals, and helped the Safavid dynasty in military affairs, such as training of the army by Robert and Anthony Shirley and expelling the Portuguese invaders from Qeshm Island. After Shah Abbas I and during the reign of his successors, relations with the Europeans were continued and greatly influenced Iranian painting.

The observations show that works (including European with Dog by Reza Abbasi, Khosrow and Shirin Meeting by Mohammad Qasim, etc.) which are examined regarding the use of attires such as clothes, boots and hats have been highly affected by styles of Elizabeth I to James II era. Same as attires, facial expressions also underwent changes.

The complexion is depicted lighter than Iranian portraits, closer to pale faces in paintings of the English artists. These white faces were covered with short, reddened hair, which in accordance with the images and sources available from the Englishmen, always depicted their beard and mustache shaved; a feature which added to the whiteness of the faces.

The faces of the British in most of the portraits have narrower, more stretched eyes in comparison to the Iranian portraits depicted in miniatures.

However, in the miniatures of Isfahan School, the British style influenced facial expressions less than clothing, where examples of Iranian portrayals still dominates.

Finally, the emergence of these figures in the miniatures of Isfahan school, the interest of artists of this period in the clothing style and fashion as well as their tendency to European paintings pushed around the characteristics of Isfahan school and made European style dominant in Isfahan school.

Keywords: Iranian Figure, British Figure, Miniature, Isfahan School.

References: Bastani Parizi, Mohammad Ebrahim, 1988, Politics and Economy of the Safavid Age, Fourth Edition, Tehran, Safi Alishah.

Canby, Sh., 2009, Shah Abbas The Remaking Of Iran, The British Museum Press.

Canby, Sheila, 2010, Reza Abbasi, Rogue Moderator, Translation by Jacob Ajand, Second Edition, Tehran, Art Academy.

Cyrus, Roger, 2001, Iran Safavid era, translation of Kambiz Azizi, 9th edition, Tehran, publishing center.

Davies et al., 2009, Art History of Jensen, Farzan Sojoodi et al., Tehran, Mirshastchi Cultural Center.

Delawala, Pietro, 1991, Pietro Delawala's Travelogue, Part of Iran, Translated by Shafiq Eddin Shafa, Second Edition, Scientific & Cultural Publishing.

Gheibi, Mehreza, 2006, eight thousand years old Iranian ethnic clothing, first edition, Tehran, Hirmand.

Hakimian, Badri, Reviewing the form and designs of the Safavid era garments through the Schools of Painting, Isfahan Culture, 32, Summer 2006, 86-99.

Hasanvand, Mohammad Kazem and Akhundi, Shahla, The study of the evolution of facial expression in the painting of Iran until the end of the Safavid period, 24th ed., Winter, 2012, 15-35.

Jafarian, Rasoul, 2000, Safavid in the field of religion, culture and politics, first edition, Qom, Institute of the field and university.

Javani, Asghar, 2006, Foundations of Painting School of Isfahan, Tehran, Art Academy.

Identification of British Figures in Miniatures of Isfahan School Iran

ShahnazAmini, M.A. in Handicraft, TheTrend of Research in Traditional Arts Visiting Lecturer at Payam Noor University, Isfahan, Iran.

Asghar Javani, Ph.D., Associate Professor in Faculty of Visual Arts, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran.

Majid Reza Moghanipoor, Ph.D., Assistant Professor at Shiraz University of Arts, Shiraz, Iran.

Received: 2018/04/28 Accepted: 2019/01/02



In the era of Shah Abbas I of Persia, open door policy extended communication with neighboring and non-neighboring countries, following which various figures and personalities from mostly participators and communicatorssuch as slaves, crews, ambassadors, businessmen, travelers, doctors and artists appeared in miniatures.

Miniaturists were obligated to record thesecommunications in their miniaturesdirectly and indirectly and present the class of society through their works. Especially, miniaturesin Isfahan school which received a great influence from political, military and commercial events in this period, introduced a number of non-Iranian figures. Here, particular attention was paid to the British who established extensive relationships with Iran since the reign of Shah Abbas I.

Painting as a visual medium, documents events and relationships, hence the review of miniatures reveals the extent of communications in cultural, social and economic directionsin the Safavid period.

There have been many discussions and studies on the miniatures of the Safavid era, and in some cases, the influence of non-Iranian paintings, especially European styles, have been investigated. However, non-Iranian figures in miniatures of Isfahan school have not been distinctly discussed. Although non-Iranians have been mentioned in historical books of the Safavid period, identification and study of their figures in miniatures are highly required.

This study aims to identify the examples of British figures and portrayals in the miniatures of Isfahan school and unveils effective factors based on components of face and clothing. Accordingly, the main questions of the research are as follows:

1. How were British costumes introduced into the miniature of Isfahan school?
2. What are the facial features of the British here?

In this study, the investigation method is descriptive-analytic and data analysis is qualitative (based on description and interpretation).The required information and data are collected in the form of text readings, and taking into consideration the written social history, the Safavid social and political period is discussed.

Here, miniatures of Isfahan school are selected, and after collecting cardimages, icons and portrayals are classified according to qualitative criteria such as style, species and morphology (face, gesture, attire).

This paper firstly examines the political, military, and commercial relationships initiated at the time of Shah Abbas I until the end of the Safavid era, then individually, samples of Iranian and British figures are examined in terms of their faces and clothing in miniatures of different schools.